

زین الاخبار گردیزی

اثری که باید از نوشناخته شود

سید ابوالقاسم فروزانی

به گواهی آثار موجود و مفقود^۱ در قلمرو حکومت آل بویه نسبت به حوزه اقتدار سامانیان تاریخ‌نویسی به زبان عربی پیشرفتی بیشتر داشته است. اما در زمینه تألیفات جغرافیایی بزبان عربی، تقدّم و پیشرفت از آن سامانیان بوده است. با اینهمه احیاء و گسترش زبان پارسی دری در قلمرو سامانیان راه را برای تألیف و تصنیف کتب مختلف به زبان پارسی هموار ساخت. در زمینه تاریخ، ابوعلی بلمعی با ترجمه کتاب تاریخ الرسل والملوک (تألیف محمد بن جریر طبری) از عربی به فارسی مهمترین گام را برداشت.

از آنجا که ترجمه‌ای که بلمعی از کتاب تاریخ الرسل والملوک بعمل آورد با حذف اسناد طولانی و نیز روایات متعدد در باب حادثه واحد همراه بوده و نیز در بعضی موارد نکته‌های تازه‌ای نیز در بردارد می‌توان این ترجمه را (که به تاریخ بلمعی معروف است) قدیمترین تاریخ عمومی فارسی موجود دانست.^۴

با سقوط سامانیان قلمرو آنان میان دو سلسله ترک نژاد غزنوی و قراخانی تقسیم شد. بدین ترتیب که سرزمینهای شمالی رود جیحون (ماوراءالنهر) در اختیار قراخانیان قرار گرفت و سرزمین‌های واقع در جنوب جیحون (شامل خراسان بزرگ و ...) به غزنویان تعلق یافت. از آنجا که غزنویان بقول «باسورت» در فرهنگ ایرانی اسلامی استحاله شده بودند، اما قراخانیان «هنوز از زمینه بیابانگردی خود چندان فاصله‌ای نداشتند»^۶ بنابراین بطور طبیعی غزنویان خود را وارث علمی و فرهنگی سامانیان دانسته و در جلب دانشمندان و شعراء قلمرو سامانیان در ماوراءالنهر نیز می‌کوشیدند.

تاریخ نگاری در عهد غزنویان با تألیف «غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم» به قلم ابومنصور حسین بن محمد ثعالبی و تاریخ یمنی نوشته عتی (هر دو به زبان عربی) آغاز گردید. اما همراه با گسترش زبان پارسی تألیفات تاریخی به این زبان در آناری چون تاریخ محمود وزّاق، زین الاخبار گردیزی و تاریخ بیهقی جلوه گر شد. از تاریخ محمود وزّاق که شامل تاریخ عمومی عالم (باصطلاح آن روزگار) تا سال ۴۰۹ هـ. بوده متأسفانه اثری باقی نمانده است. تاریخ بیهقی نیز که در واقع دنباله تاریخ محمود وزّاق بشمار می‌رود (بیهقی وقایع کتاب خود را از سال ۴۰۹ هـ. شروع کرده) تقریباً (و نه در حدّ اهمیت واقعیش) مورد توجه محققان قرار گرفته است. اما در این میان زین الاخبار گردیزی با توجه به ارزش و اعتبار چشمگیرش در میان اهل تحقیق هنوز جایگاه شایسته خویش را نیافته است.

علامه محمّد قزوینی در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی تاریخ زین الاخبار را بدینصورت معرفی کرد: «در تاریخ و آثار و اعیاد و عادات و رسوم و انساب و معارف ملل ماضیه تا اندازه

شبه آثار الباقیه ابوریحان بیرونی تألیف ابوسعید عبدالخّی بن الضحاک بن محمود گردیزی (گردیز که گردیز نیز نویسد) قصبه و قلمه بوده است از مجال غزنین بر یک منزلی آن (بطرف مشرق) از معاصرین ابوریحان ... ۸ قزوینی در مورد نسخه‌های خطی موجود از کتاب زین الاخبار می‌گوید: «... و از این کتاب فعلاً گویا بیش از دو نسخه موجود نیست ... و دو نسخه مزبور اتفاقاً هر دو در انگلستان است یکی در کمبریج و دیگری در آکسفورد و نسخه دوم گویا فقط سوادی است از نسخه اولی و نسخه مستقلی محسوب نمی‌شود». ۹. جالب این است که نسخه کینگز کالج کمبریج در سال ۹۳۰ یا ۹۰۳ هـ. ق در هند تحریر یافته و نسخه کتابخانه بادلیان در آکسفورد نیز بتاريخ ۱۱۹۶ م. در همان کشور (هند) نوشته شده است. ۱۰.

باری، زین الاخبار که در شمار قدیمیترین کتابهای تاریخ عمومی موجود بزبان فارسی (بعد از تاریخ بلمعی) قرار دارد، در عهد سلطنت عبدالرشید فرزند سلطان محمود غزنوی (۴۴۴ - ۴۴۱ هـ.) تألیف یافته است. راجع به علّت نامگذاری این کتاب عبدالخّی حبیبی چنین نوشته است: «در باره نام کتاب چنین حدس می‌توان زد که گردیزی نام کتاب خود را از لقب پادشاه عصر گرفته و «زین الاخبار» نامیده باشد زیرا سکه سلطان عبدالرشید در موزیم کابل موجود است که بر آن «عزالدوله و زین الملّه، سیف اللّه عبدالرشید» و نام القایم بامر اللّه خلیفه نوشته شده، و شاید زین الاخبار از لقب زین الملّه آمده باشد.»^{۱۱}

مرحوم سعید نفیسی در مورد این کتاب چنین نوشته است: «کتاب زین الاخبار از ابوسعید عبدالخّی ابن ضحاک بن محمود گردیزی ... چه از حیث روش فارسی‌نویسی بسیار بلند و بسیار ساده و روان، و چه از حیث نکات تاریخی که در هیچ کتاب دیگر نیست برای ایرانیان بیش از هر تاریخ نامه دیگری اهمیت دارد.»^{۱۲} وی در مورد محتوای این کتاب می‌گوید: «این کتاب شامل تاریخ عمومی جهان بمصداق آنروزست، از زمان آفرینش جهان تا روزگار مؤلف، شامل تاریخ داستانی ایران و اشکانیان و اسکندر و ساسانیان و سیرت رسول (ص) و خلفا و اخبار امرای خراسان تا زمان مؤلف و ناچار طاهریان و صفاریان و سامانیان را از ایشان بشمار آورده است.»^{۱۳}

بنابر شواهد بسیار، منبع اصلی گردیزی در تألیف فصل ولّاه خراسان کتاب ابوعلی سلامی بیهقی نیشابوری (از علمای دربار چغانیان متوفی بسال ۳۰۰ هـ. ق) تحت عنوان «التاریخ فی اخبار ولّاه خراسان» بوده است. ۱۴ گردیزی بنا به تصریح خود پاره‌ای از مطالب کتاب زین الاخبار درباره جشنها و اعیاد هندوان را از ابوریحان بیرونی شنیده است. علاوه بر این بقول عبدالخّی وی «در نوشتن زین الاخبار مخصوصاً دو کتاب معروف البیرونی یعنی کتاب الهند و آثار الباقیه را در نظر داشت»^{۱۵} وی همچنین از تألیفات ابن مقفع، ابوزید بلخی، ابن خرداد به و ابوعبدالله جیهانی نیز استفاده کرده است.^{۱۶}

بقول بارتولد «در نتیجه فقدان تألیفات سلامی، کتاب گردیزی را ... از لحاظ مطالعه تاریخ خراسان تا پایان کار سامانیان باید منبع اصلی شمرده»^{۱۷} اما یکی از مهمترین قسمتهای کتاب زین الاخبار مربوط به حوادث عصر سلطان

محمود غزنوی است. مؤلف خود نیز به این قسمت از کتاب خویش بیشتر ابراز علاقه می‌کند و میان اخبار مربوط به دوران قبل از سلطان محمود (که از شنیده‌ها و خوانده‌هایش بوده) و دوران سلطان محمود (که از مشاهداتش بوده) تفاوت قایل است. وی می‌گوید که «آنچه‌ها دیگر باستماع شنیدیم و از کتب خواندیم، و شاید بود که مصنفان و راویان اندران تصنیفها و اخبار کم و بیش آورده و گفته‌اند از بهر تعجب سخن را، و عزیز کردن کتاب را. اما این اخبار بیشتر از وی آن بودست که برای العین خویش بدیدیم، که امیر محمود رحمه‌الله اندر هندوستان چه کردست، و به نيمروز و بخراسان و بخوارزم و عراق چگونه قلمها گشاده است؟ و ...»^{۱۸}

در مورد شرح حال گردیزی (مؤلف کتاب) چندان اطلاعی موجود نیست. چرا که متأسفانه هر دو نسخه موجود از زین الاخبار فاقد دیباچه است و مسلماً اگر دیباچه کتاب در دست بود از حال مؤلف نیز آگاهی بیشتری داشتیم. از این کتاب همچنین قسمتی از باب پیشندان تا عهد طهمورت افتاده است. همچنین در بین کتاب هم افتادگی‌هایی دارد. ۱۹. و بقول عبدالخّی حبیبی چون کاتبان هر دو نسخه هندی بوده و بر زبان فارسی تسلط چندانی نداشته‌اند غلط‌های فراوانی در هر دو نسخه موجود است. ۲۰. این کتاب به حوادث سال ۴۳۲ هـ. ختم شده است.

در مورد نثر این کتاب باید گفت که زین الاخبار با نثر مرسل به رشته تحریر درآمده است و نثر مرسل «یعنی نثر بی‌تکلف غیر مقید به صنایع ادب و فنون تزیینی کلام»^{۲۱} که در عهد سامانیان بوجود آمد. بنا به نوشته کتاب سبک‌شناسی نثر تألیف دکتر سیروس شمیسا «نثر مرسل به لحاظ تاریخی دو دوره سامانیان و غزنویان (با تغییراتی) را در بر می‌گیرد. ۲۲. دکتر ذبیح اللّه صفا ضمن بررسی سبک نثر این کتاب از ایجاز آن می‌گوید: «نثر آن ساده و روان و متمایل به شیوه نویسندگان عهد سامانی و از مختصات آن رعایت جانب ایجاز و ذکر رؤس حوادث و اجتناب از تطویل و عدم ورود در جزئیات است»^{۲۳}. دکتر عبدالحسین زرین‌کوب نیز با اشاره به اهمیت تاریخی کتاب زین الاخبار به ایجاز آن اشاره دارد: «این کتاب با وجود نهایت ایجاز از جهت تاریخ سامانیان و غزنویان و دوره نزدیک به آن مآخذی مهم و معتبر محسوب می‌شود»^{۲۴}. گردیزی خود نیز به اجمال تألیفش اقرار دارد و دلیل می‌آورد که این کار را برای پرهیز از طولانی شدن اخبار انجام داده است. وی شیوه کار خود را بدین صورت ذکر می‌کند: «پس من از جمله اخبار دولت این خاندان (منظور خاندان غزنوی است) را اداّم اللّه نباتها آنچه خوشتر و عجب‌تر بود التقاط کردم و اینجا بیاوردم و هرچند که بتوانستم مختصر کردم اگر بشرح مشغول گشتمی بسیار آمدی. پس آن اخبار انتخاب کردم و اینجا بیاوردم باذن اللّه تعالی.»^{۲۵}

پیش از این گفته شد که علامه محمّد قزوینی در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی به معرفی کتاب زین الاخبار پرداخت. چند سال قبل از او یعنی در سال ۱۸۹۷ م. «بارتولد» دانشمند بزرگ روس در کتابی با عنوان «شرح سفری در آسیای مرکزی باندیشه علمی در (۹۴ - ۱۸۹۳ م.)» قسمتی از فصل انساب و معارف ترکان را از کتاب زین الاخبار با ترجمه روسی آن در «پترزبورگ» انتشار داد. این بخش را

سیس خاورشناس مجار، گزاکوون در سال ۱۹۰۳ م. با ترجمه‌یی به زبان مجار منتشر کرد. بارتولد در سال ۱۸۹۸ م. قسمتهائی دیگر از کتاب زین‌الخبار را که مربوط به تاریخ خراسان است ضمن تألیف معروف خود ترکستان در عهد هجوم مغول در پترزبورگ بچاپ رساند. در سال ۱۹۱۶ م. میرزا عبدالله غفار اوف در چاپ دوّم منخبات فارسیه خود برخی از همان قسمت‌هایی را که بارتولد منتشر کرده بود، انتشار داد. ۲۶

قسمتی از فصل اخبار امرای خراسان از آغاز تاریخ طاهریان تا پایان این فصل را از کتاب زین‌الخبار، محمّد ناظم استاد دانشگاه اسلامی علیگره هند، در سال ۱۹۲۸ م. در برلین چاپ کرد و از روی آن طبع مجددی در سال ۱۳۱۵ هجری شمسی در تهران صورت گرفت. به نظر علامه قزوینی و سعید نفیسی کار محمّد ناظم مشحون از اشتباهات فاحش و روش تصحیح او غیر علمی است. ۲۷

در سال ۱۳۲۵ هجری شمسی قسمتی از فصل بیست و یکم این کتاب با عنوان «اندر عیدها و جشنها و رسمهای مغان» در شماره اول دوره سوم مجله سخن با دقتی درخور توجه انتشار یافته است. مرحوم سعید نفیسی در سال ۱۳۳۳ هجری شمسی فصولی شامل طبقه چهارم ملوک ساسانیان تا پایان باب هفتم کتاب زین‌الخبار را در تهران تصحیح نموده بچاپ رساند. نفیسی در قسمتی از مقدمه این کتاب می‌گوید: «من بواسطه اهمیت سرشاری که باین کتاب بسیار گرانبها می‌دهم و آن را برای راهنمایی کسانی که می‌خواهند بهترین نمونه انشای ساده و فصیح نهصد و چهل سال پیش و مطالب تاریخی تازه در برابر داشته باشند بسیار مناسب و شایسته می‌بینم، امیدوارم تدریجاً سراسر کتاب را در مجلدات جداگانه انتشار دهم». ۲۸. اما استاد نفیسی به این اقدام موفق نشد ...

در سال ۱۹۶۴ باب نوزدهم کتاب زین‌الخبار با عنوان «اندر معارف هندوان» از سوی «مینوزسکی» به زبان انگلیسی ترجمه و تشریح گردید. و بالاخره استاد عبدالحی حبیبی در تاریخ ۵ دلو ۱۳۴۶ ه. ش در کابل کتاب زین‌الخبار را بطور کامل بچاپ رسانید. وی بنا به نوشته خود با اساس قراردادن دو نسخه موجود در انگلستان و با استفاده از حواشی و توضیحاتی که دیگران بر فصولی از کتاب یاد شده نوشته بودند، کتاب زین‌الخبار را با تحشیه و تعلیقات مفید در اختیار دوستداران علم و ادب و فرهنگ قرارداد. ۲۹ این کتاب در ایران در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی توسط انتشارات بنیاد فرهنگ ایران منتشر شد و پس از آن در سال ۱۳۶۳ هجری شمسی انتشارات دنیای کتاب به نشر آن همت گماشت ...

عبدالحی حبیبی برای انتشار کتاب زین‌الخبار تلاش ارزنده‌ای بکار برده است و برای او همین افتخار بس که نخستین کسی است که به نشر کامل این کتاب بسیار ارزشمند موفق شده است. وی در مقدمه این کتاب می‌گوید: «... و شاید این عاجز هم سهوها و اشتباهات و نارسائیها درین کار داشته باشم که آیندگان آنرا اصلاح خواهند فرمود ولی من در حالیکه مساعی گذشتگان را در نشر برخی از ابواب این کتاب قدردانی می‌کنم و از آن سود می‌برم برای حفظ امانت علمی جایجا برخی اشتباهات گذشته را ذکر کرده‌ام که این کار جهت تمییم و تکمیل متن مفید است و الا بر آن نیکمردانی که پیش از ما بر راه دانش رفته و کاری

کرده‌اند خورده‌گیری ندارم و روان ایشان را شادمی‌خواهم». ۳۰ هم به تاسی از استاد عبدالحی حبیبی ضمن ارج نهادن به زحمات آن فاضل آگاه در اینجا بعنوان نمونه به پاره‌ای از اشتباهات موجود در کتاب زین‌الخبار تصحیح نامبرده (چاپ انتشارات دنیای کتاب) اشاره می‌شود:

ص ۲۴۵ «... و حجاج مهلب بن ابی صفره را به خراسان بفرستاد ... و ملک سفد اندر آن روزگار طرخون بود، از وی گرگان بستند ... مسلم است که بجای کلمه گرگان می‌بایست کلمه گروگان باشد. این اشتباه در جای دیگر تکرار شده است: ص ۳۰۶ «... و ابومنصور گرگان بداد و ضمان کردن که هر سال ده هزار درم خراج به سیستان بفرستد» با توجه به موضوع بحث در اینجا نیز بجای گرگان می‌بایست کلمه گروگان بکار رود.

ص ۲۷۱ «... اسبی بخواست که در همه آخر او از آن بهتر نبود، و بران اسب نشست، که پیش منصور خواست رفت. اسبش اندر سرآمد زیرا ابومسلم سه بار ... مشخص است که زیرا ابومسلم باید به زیر ابومسلم تغییر یابد.

ص ۲۷۲ «... و نخستین مر ابومسلم را عثمان بن نهیک زد که پیش از آن سرکس ابومسلم بود ...». در پانویس این صفحه آقای حبیبی می‌گوید «ظاهراً سرکس شخصی است که مانند «بادی گارد» حفاظت سرکسی نماید». در جایی که واژه فارسی «جاندار» یا واژه مصطلح محافظ شخصی وجود دارد، استفاده از واژه بیگانه «بادی گارد» مناسب نیست.

ص ۲۹۴ «... و بغداد را احضار کردند ...». در اینجا نیز لازم است احضار به «حصار» تبدیل شود.

ص ۲۹۴ «چون از حد بشد و در خزینه مال نماند ...»، یا توجه به موضوع بحث لازم بود بصورت «چون [محاصره] از حد بشد و در خزینه مال نماند» اصلاح شود.

ص ۳۷۵ «و اندر سنه تسع و ثمانین و ثلثمائه ایشان هرچهار تن را بکشتند». موضوع مربوط است به قتل ابوعلی سیمجور و سه تن دیگر به دستور سبکتگین. در حالی که امیر سبکتگین طبق نوشته همان صفحه در سال سبع و ثمانین و ثلثمائه در گذشته است چگونه قتل ابوعلی سیمجور و همراهانش به دستور سبکتگین در سال تسع و ثمانین و ثلثمائه صورت گرفته است؟ بنابراین همانطوری که در طبع ناظم هم اشاره شده و حبیبی آنرا در پانویس ذکر کرده سال «سبع و ثمانین و ثلثمائه» صحیح است. علاوه بر مطالب یاد شده بعضی موارد دیگر بچشم می‌خورد که احتمالاً باید اشتباه حروفچین باشد مثلاً:

ص ۱۹۰ «که حسان بن نوح که امیر طبرستان بود بمرد بود، و ابوالعباس صلوک بجای پسر نوح بنشسته بود». بدون تردید صورت صحیح عبارت «بمرده بود» است. ص ۳۶۰ «تا حسین بویه بیمار شد، و مملکت بر فرزندان خویش بخشید». چنانکه می‌دانیم حسن (زکن الدوله) صحیح است.

در پایان یادآور می‌گردد که اشاره به پاره‌ای از اشتباهات استاد عبدالحی حبیبی در تصحیح کتاب زین‌الخبار در واقع تذکار این مطلب است که این کتاب ارزشمند تصحیحی منفتح تر را می‌طلبد. و امید است که این مهم در آینده‌ای نزدیک تحقق یابد.

پانویس ها
۱ - کتاب «تجارب الامم و تعاقب الهمم» تألیف ابوعلی مسکویه (متوفی ۴۲۱ ه. ش) از نمونه‌های موجود است. از نمونه‌های مفقود کتابهای ذیل را می‌توان نام برد:

الف - تألیف تاریخی ثابت بن سنان صابی (متوفی ۲۶۵ ه. ش) شامل حوادث مربوط به سال ۲۹۵ تا ۳۶۳ هجری. ب - کتاب تحفه الامراء فی تاریخ الوزراء تألیف هلال صابی (متوفی ۳۳۸ ه. ش) که حوادث را تا سال ۴۴۷ ه. ش شرح داده بود. قسمت کوچکی (شامل حوادث سالهای ۳۹۰ - ۳۹۲ ه. ش) از این کتاب باقی مانده است. ج - محمد بن هلال (غرس النعمه) ذیل کتاب پندر خود را تا سال ۳۷۶ ه. ش نوشته بوده است. ه - ابواسحاق صابی (متوفی ۲۸۴ ه. ش) در سال ۳۷۱ ه. ش کتاب «التاج فی دولة الدیلم» را به رشته تحریر درآورده بود. و - به نوشته جوینی در فتح الموت بسال ۶۵۴ کتابی به نام «تاریخ جیل و دیلم» مربوط به عهد فخرالدوله دیلمی (متوفی سال ۲۸۷ ه. ش) تألیف مؤلفی ناشناخته بدست آمد - رک: بارتولد. وو. «ترکستان در عهد هجوم مغول». ترجمه کریم کشاورز.

انتشارات آگاه. تهران ۱۳۶۶. ج ۱. صص ۴۸ - ۳۶ / سوازه. ژان. «مدخل تاریخ شرق اسلامی». ترجمه نوش آفرین انصاری. مرکز نشر دانشگاهی تهران ۱۳۶۶. صص ۲۹ - ۲۲۷

۲ - بارتولد. پیشین. ص ۵۰
۳ - همان. ص ۵۳

۴ - زرین کوب، عبدالحسین «تاریخ ایران بعد از اسلام» انتشارات امیرکبیر. تهران ۱۳۶۲. ص ۳۳

۵ - باسورت. ا.ک. «تاریخ غزنویان». ترجمه حسن انوشه. انتشارات امیرکبیر. تهران ۱۳۶۲. ج ۱. ص ۵۴

۶ - فرای. رن. «بخارا دستاورد قرون وسطی». ترجمه محمود محمودی. انتشارات علمی و فرهنگی. تهران ۱۳۶۵. ص ۲۴۰

۷ - بارتولد. پیشین. صص ۳۴ - ۶۸
۸ - قزوینی محمّد. «بیست مقاله قزوینی». به تصحیح عباس اقبال و پور داوود دنیای کتاب. تهران ۱۳۶۳. ج ۲. ص ۲۵۷

۹ - همان.
۱۰ - گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک ابن محمود. «زین‌الخبار». به تصحیح و تحشیه عبدالحی حبیبی. دنیای کتاب. تهران ۱۳۶۳. ص ۶ (مقدمه سعید نفیسی)

۱۱ - همان. ص ۲۰ مرحوم قزوینی به اشتباه عبدالرشید را فرزند سلطان مسعود دانسته است.

۱۲ - همان. ص ۵
۱۳ - همان. صص ۸ - ۹
۱۴ - همان. ص ۹

۱۵ - همان. ص ۲۱. نام کامل کتابهای ابوریحان عیارتست از «تحقیق مالهند من مقوله فی العقل او مردوله» و «آثار الباقیه عن القرون الخالیه».

۱۶ - همان
۱۷ - بارتولد. پیشین. صص ۷۳ - ۷۲

۱۸ - گردیزی. پیشین. ص ۳۷۹

۱۹ - همان. صص ۵ - ۶
۲۰ - همان. ص ۲۴

۲۱ - شمیسا، سیروس. «سبک‌شناسی نثر». نشر میترا. تهران ۱۳۷۶. ص ۲۳

۲۲ - همان
۲۳ - صفا، ذبیح‌الله. «گنج و گنجینه». انتشارات فردوس. تهران ۱۳۶۲. ص ۷۷

۲۴ - زرین کوب، پیشین. ص ۲۴
۲۵ - گردیزی. پیشین. ص ۲۸۰

۲۶ - همان. ص ۹
۲۷ - همان. صص ۱۴ - ۹

۲۸ - همان. ص ۱۰
۲۹ - همان. صص ۲۵ - ۲۲

۳۰ - همان. ص ۲۳